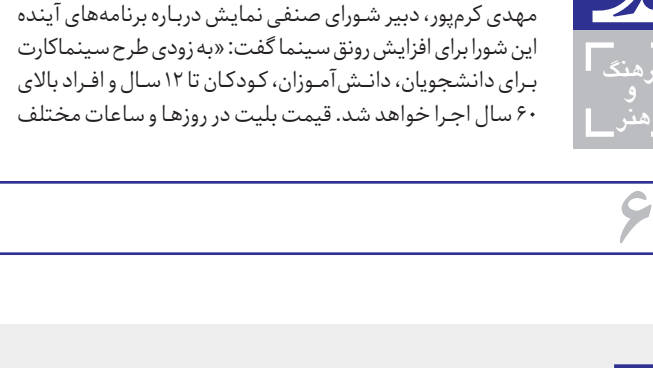


هدف مدیریت جدید، حمایت از فیلم‌های اجتماعی است



مهدی کرم‌پور، دبیر شورای صنفی نمایش درباره برنامه‌های آینده این شورا برای افزایش رونق سینما گفت: «به زودی طرح سینماکارت برای دانشجویان، دانش آموزان، کودکان تا ۱۲ سال و افراد بالای ۶۰ سال اجرا خواهد شد. قیمت بلیت در روزها و ساعات مختلف تهران برگزار شد.

حجت‌الاسلام عبدالحسین خسروپناه، دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی ضمن عرض تسلیت ایام ماه صفر و گرامیداشت یاد شهدا، اظهار کرد: «گرامیداشت یاد همه شهدا و عزیزانی که راه شهدا را طی و در ترویج فرهنگ شهادت تلاش کردند از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، به ویژه یاد برادران عزیز سرور و محمدرسور رجایی را گرامی می‌داریم که از شخصیت‌های کم‌نظیر جامعه اسلامی به شمار می‌روند. این دو شخصیت انسان‌هایی دغدغه‌مند فرهنگی و اجتماعی بودند که دغدغه‌هایشان را با هم پیوند زدند».

حجت‌الاسلام خسروپناه درباره مرزهای ایران و افغانستان توضیح داد: «اقتصادی وضعیت کنونی که متأسفانه توسط استعمار ایجاد شده، موجب شکل‌گیری مرز جغرافیایی میان ایران و افغانستان شده است؛ اما به لحاظ فرهنگی، خراسان بزرگ شامل کل این منطقه بوده و افغانستان نیز جزئی از آن محسوب می‌شد. پیش از ایجاد این مرزها، وحدت فرهنگی میان این مناطق برقرار بود و هیچ جدایی فرهنگی وجود نداشت».

او افزود: «استعمار موجب شد ایران بزرگ به کشورهایی مانند آذربایجان و افغانستان تقسیم شود که این جدایی ننگین موجب شد نسل‌های بعدی فکر کنند ایران و افغانستان دو فرهنگ جداگانه دارند، در حالی که فرهنگ و آداب و عادات این دو ملت یکی است. متأسفانه وقایع جنگ و بحران‌های اخیر افغانستان که زمانی مهد تمدن، علم و عرفان بود، آرامش را از این مردم گرفته است.» حجت‌الاسلام خسروپناه ابراز امیدواری کرد: «روزی فرا خواهد رسید که عقل مسلمانان به بلوغ برسد و اتحادیه جهان اسلام شکل گیرد که همزمان آرامش، حکمت و عقلانیت را با هم به ارمان آورد. در این شرایط مرزهای جغرافیایی ممکن است باقی بمانند، اما مرزهای فرهنگی از بین خواهد رفت».

او خاطر نشان کرد: «برنامه‌های فرهنگی مرحوم رجایی توانست این پیوستگی عقلانی، معنوی و فرهنگی میان ایران و افغانستان که پیش‌تر هم در سخنانم اشاره کردم، به خوبی نشان دهد. این نکته کلیدی است که باید همه ما تلاش کنیم تا این فرهنگ در جامعه زنده بماند و حتی وارد کتاب‌های درسی شود».

حجت‌الاسلام خسروپناه با تأکید بر تلاش‌های هدفمند دشمن، توضیح داد: «دشمنان سعی دارند تصویری منفی میان ایرانی‌ها و افغانستانی‌ها ایجاد کنند. همان طور که سال‌ها تلاش کردند چنین تصویری میان ایرانی‌ها و عرب‌ها، یا میان کردها و ترک‌ها به وجود آورند».

وی در ادامه با طرح یک پرسش مهم گفت: «چطور کشورهای اروپایی مانند فرانسه، آلمان و انگلستان که قرن‌ها با هم جنگیده‌اند، توانسته‌اند اتحادیه اروپا تشکیل دهند و حتی واحد پولی مشترک داشته باشند؟ اگر اتحادیه اروپا شکل نمی‌گرفت، آمریکا اروپا را نابود می‌کرد. این کشورها فهمیدند برای بقای خود باید متحد شوند، اما متأسفانه این بلوغ هنوز در کشورهای اسلامی ما حاصل نشده که جای تأسف دارد».

دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی تصریح کرد: «ما باید با تقویت پیوند تمدنی ایران و افغانستان ارتباطات بین‌المللی و گفت‌وگوهای عمیق فرهنگی را افزایش دهیم. گفت‌وگو نیاز به حکم، صبر و شنیدن دارد. در سوره روم، خداوند بر نفقت، سمع و شنیدن تأکید دارد؛ بنابراین اگر انسانی اهل فکر است، باید اهل شنیدن هم باشد».

او با اشاره به نتایج مثبت ارتباط میان دو کشور بیان کرد: «در سال‌های اخیر، ارتباط خوب میان ایران و افغانستان سبب تربیت دانشمندان، فرهیختگان و علمای فاضل شده است. این کشور از نظر نرم‌افزاری بسیار غنی است. تنها کافی است بلوغ کافی برای جایگزینی گفت‌وگو به جای درگیری حاصل شود». خسروپناه خاطرنشان کرد: «در همه کشورهای دنیا، ورود و خروج اتباع ضوابط و نظارت‌های نهادهای امنیتی و انتظامی است. همان‌گونه که ایرانی‌ها هنگام خروج از کشور باید مشخص باشند که کجا می‌روند، برای اتباع سایر کشورها نیز باید چنین نظارتی وجود داشته باشد. این مسئله‌ای جهانی است، نه استثنایی برای ایران».

دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی با تأکید بر این نکته که «ممکن است مهاجری در کشور خطایی مرتکب شود،

چهارمین بزرگداشت محمدرسور رجایی برگزار شد

خدمات برجسته نویسنده و شاعر افغانستانی

اما همین احتمال درباره شهروندان ایرانی هم صادق است»، گفت: «نباید خطاهای فردی به یک قوم یا ملت نسبت داده شود؛ این نگاه بسیار اشتباه است. اگر قرار باشد به جرم برخی ایرانیان همه ایرانی‌ها را محکوم کنیم، این عدالت نیست و البته در نظام کشور ما چنین رویکردی وجود ندارد».

■ **ضرورت حفظ ادبیات غنی در برابر تهدیدهای فرهنگی**
در ادامه مراسم علیرضا قزوه، شاعر ایرانی با اشاره به شخصیت محمدرسور رجایی اظهار کرد: «بعضی از عزیزان افغانستانی، همان‌گونه که آقای رجایی می‌گفت خون شریک مردم ایران‌اند، اما بعضی دیگر مثل برخی ایرانی‌ها، راحت وطن را می‌فروشند. بعضی در کنار اسرائیل ایستاده‌اند. جنگ ما جنگ با بدترین دشمن است. آنکه امروز در تلویزیون ایران اینترنشنال نشسته و بدترین زخم‌ها را می‌زند، متأسفانه ایرانی است».

این شاعر مطرح افزود: «امثال آقای رجایی از خیلی از ما ایرانی‌تر هستند. در فضای بسیجی و رفاقت می‌توان بیشترین اعتماد را به او کرد. می‌توان حرف دل را با او زد؛ حرف‌هایی که با خیلی از هموطنان خودمان نمی‌توانیم بزنیم، او محرم‌تر از محرم بود؛ کسی که با ما یکی بود و نمی‌توان دو ملت دانست. اگر امثال رجایی در ایران زیاد بودند، اصلاً بسیاری از اتفاق‌ها رخ نمی‌داد. اگر همه افغانستانی‌ها مثل رجایی بودند، ایرانی‌ها عکس آن‌ها را در خانه‌هایشان نصب می‌کردند و آنان را می‌پرستیدند».

قزوه ادامه داد: «هر وقت رجایی را می‌دیدم، یک مجله کودک در دست داشت. با سختی آن را چاپ می‌کرد. با اینکه نوعی کارمند حوزه هنری محسوب می‌شد و جلسات را اداره می‌کرد، اما یک بار نگفت که حقی دارد. دغدغه‌اش تنها چاپ آن مجله بود. رجایی یک مدیر فرهنگی بود اما دنبال معرفی خود نبود. نسل بسیار خوبی را پرورش داد و شاگردانش نویسندگان توانمندی شدند».

قزوه در ادامه با اشاره به سخنان دکتر شفیعی کدکنی گفت: «اگر می‌خواهی در جهان بایستی و از فرهنگت دفاع کنی، باید با شعر حافظ و سعدی بروی، نه با شعر کسانانی که قدشان کوتاه است. در تاجیکستان امروز، ارتباط با زبان فارسی قطع شده و شعر روسی و کمونیستی جای آن را گرفته. شاعران آنجا دیگر وزن و قافیه را نمی‌دانند».

وی در پایان با تجلیل از شخصیت محمدرسور رجایی خاطرنشان کرد: «خوش به حال رجایی که کنار شهید آوینی دفن شد و لقب آوینی افغانستان را گرفت. این لقب بزرگی است و حتماً پرازنده‌اش بود. با دل پاکش و تلاش‌هایی که داشت، لحظه‌ای آرام نبود. هم نویسنده بود، هم خبرنگار، هم فیلم می‌ساخت، هم شعر می‌گفت، هم کتاب چاپ می‌کرد، هم بچه‌ها را جمع می‌کرد. قدر این آدم‌ها را باید دانست و دعا کنیم امثال او زیاد شوند».

■ **نقش زبان فارسی در دفاع**

عارف جعفری، فعال فرهنگی افغانستان در سخنانی درباره ارتباط عمیق فرهنگی ایران و افغانستان و نقش زبان فارسی گفت: «مگر ما چند کشور داریم که به زبان فارسی صحبت می‌کنند؟ سه کشور فارسی‌زبان وجود دارد؛ اما در جریان جنگ ۱۲روزه تحمیلی، مردم افغانستان –چه داخل کشور و چه در خارج از ایران – به شکل جانانه‌ای از ایران دفاع کردند». وی افزود: «چه فارسی‌زبان‌ها و چه پشتوزبان‌هایی که در میانشان بودند، از ایران حمایت کردند و من هرگز ندیدم مردم افغانستان در فضای مجازی پای پست‌های توهین‌آمیز و اخبار غلطی که علیه ایران منتشر می‌شد، اظهار شادی کنند. البته عناصری هم بودند که به نظر می‌رسید توسط برخی نهادها و با آیدی‌های جعلی حمایت می‌شدند تا فضای مجازی را متشنج کنند، اما اکثریت مردم افغانستان همدل بودند». جعفری به اهمیت پژوهش‌های زنده‌یاد رجایی اشاره کرد و گفت: «یکی از ویژگی‌های برجسته آقای رجایی این بود موضوعاتی را دنبال می‌کرد که اغلب از دید عموم مغفول مانده بود. مثلاً ایشان شهادی دفاع مقدس در ایران که کمتر به آن‌ها پرداخته شده بود را زیر ذره‌بین گذاشت. آن‌ها را شناسایی کرد، با خانواده‌هایشان ارتباط گرفت و مزارشان را پیدا کرد. حاصل این پژوهش‌ها کتابی شد به نام «دشت لیلی تا جزیره مجنون» که حتی رسانه‌های ایران نیز کمتر به آن پرداخته‌اند». جعفری با لحنی طنز بیان کرد: «دوست شاعرمان محمدحسین هاشمی جمله جالبی درباره رجایی داشت؛ می‌گفت اگر به رجایی مأموریت بدهند که از بیابان هندوانه بیاورد، با یک هندوانه برمی‌گردد. این نشان‌دهنده توانایی و جدیت ایشان است».

شبانه‌روز متغیر خواهد شد و بساط قیمت‌های یکسان بلیت سینما در ساعات مختلف جمع می‌شود». او اظهار امیدواری کرد به زودی بحث سرگروهی سینماها هم جمع شود: «از طرف دیگر بحث افزایش کیفیت سالن‌های نمایش را دنبال خواهیم کرد و شورای صنفی قصد دارد بازی را به نفع مردم برگرداند». دبیر شورای صنفی نمایش درباره

اینکه این تغییرات چه زمانی محقق خواهد شد، تصریح کرد: «اگر همکاری و همدلی وجود داشته حتماً تا پایان ۱۴۰۵ این تغییرات اجرایی خواهد شد». کرم‌پور در پاسخ به اینکه با توجه به نقدهایی که از اکران فیلم‌های اجتماعی صورت گرفته آیا اکران چنین فیلم‌هایی همچون گذشته متوقف خواهد شد؟ گفت: «فکر نمی‌کنم چنین

پشت باجه بلیت فروشی و روی پرده نقره‌ای سینماهای کشور چه می‌گذرد؟

تغییر ذائقه گیشه به نفع سینمای اجتماعی



طرف سرنوشت تلخی را برای بسیاری از این فیلم‌ها رقم زد که در مسیر پرچالش توقیف تا اکران، قاچاق شدند.

■ **نگاهی به پرفروش‌ترین فیلم‌های چهار سال اخیر**
بازگردیم به سه چهار سال گذشته که به دلیل شرایط جامعه، فیلم‌های کمدی بیشترین سهم را از مجموع فیلم‌های اکران شده در گیشه داشتند؛ از ابتدای سال ۱۴۰۰ تاکنون پرفروش‌ترین فیلم‌های هر سال از رتبه اول تا سوم در دست سینمای کمدی بوده است. به غیر از سال ۱۴۰۰ که «دینامیت» و «گشت ارشاد» دو فیلم اول بوده‌اند و سومین فیلم پرفروش به «قهرمان» اصغر فرهادی تعلق دارد.

اما به ترتیب در سال ۱۴۰۱ سه فیلم «انفرادی»، «بخارست» و «سگ‌بند» با فروشی نزدیک به ۱۸۰ میلیونارد، سال ۱۴۰۲ فیلم‌های «فسیل»، «هتل»، «هاوایی»، «شهر هرت» و «ویلای ساحلی» در مجموع با ۸۲۵ میلیون تومان فروش و در سال ۱۴۰۳ نیز فیلم‌های «هفتادسی»، «تگراس»، «زودپز»، «تمساح خونی» و «صبحانه با زرافه‌ها» جایگاه اول تا پنجم را با مجموع ۱۰۰ میلیون تومان به خود اختصاص دادند.

این‌ها فقط عناوین فیلم‌هایی است که بیشترین فروش سالانه را در گیشه کسب کرده‌اند. شمار زیادی فیلم کمدی دیگر نیز در طول سال اکران شدند که با ارقامی پایین‌تر در گیشه قرار گرفتند. در مقابل باید به پرفروش‌ترین فیلم‌های اجتماعی هم اشاره کرد که آثاری همچون «آتابای»، «بی‌همه چیز»، «ملاقات خصوصی»، «علفزار»، «تی‌تی»، «البلق»، «دوزیست»، «سه‌کا حبس» و «کت چرمی» که شاخص‌ترین آثار درام اکران‌شده در این سال‌ها هستند اما فروش کلی آن‌ها رقمی کمتر از ۱۵۰ میلیارد تومان بوده است.

■ **اکران «برادران لیلیا» می‌توانست معادلات گیشه را تغییر دهد**

با توجه به فروشی که فیلم‌های کمدی داشتند و همه عواملی که پیش‌تر ذکر شد، سینماداران دیگر رغبتی به اکران فیلم‌های غیرکمدی نداشتند، حتی در موارد بسیاری از سانس‌های فیلم‌های دیگر می‌زدند و به آثار کمدی اختصاص می‌دادند. بدتر آنکه بسیاری از فیلم‌سازان هم به دلیل شرایط موجود یا دیگر تن به فیلمسازی ندادند یا راهشان را به سمت ساخت آثار کمدی کج کردند.

در این میان اکران فیلم‌هایی مانند «برادران لیلیا» می‌توانست



اتفاقی رخ دهد چون خوشبختانه هدف مدیریت جدید حمایت از فیلم‌های اجتماعی است و می‌خواهد بساط این ساده‌انگاری جمع شود. با توجه به عزم مدیریت فعلی سینما و استقبال مخاطبان سینما از این فیلم‌ها گمان نمی‌کنم چنین اتفاقی رخ دهد و عقیده دارم این روند ادامه خواهد داشت».

www.qudsonline.ir

شنبه ۱۴ مرداد ۱۴۰۴ ۱۱ صفر ۱۴۴۷ ۱۴۵۱ کویست ۲۰۲۵ ۳ سال سی و هشتم ۱۰۷۱۰ شماره

فضای موجود را به نفع سینمای اجتماعی تغییر دهد. تا جایی که سیدجمال ساداتیان، تهیه‌کننده این فیلم گفته بود با وجود اینکه همین حالا هم فیلم‌های کمدی بیشتر مخاطب دارند، اگر «برادران لیلیا» اکران می‌شد، می‌توانستیم فروش ۷۰ تا ۸۰ میلیارد تومانی را برای آن متصور شویم.

این اتفاق نیفتاد اما اکران «مست عشق» حسن فتحی در سال گذشته و فروش ۱۲۰ میلیوناردی‌اش که آن را پرفروش‌ترین غیرکمدی سال ۱۴۰۳ کرد، با یک سال قبل‌تر که پرفروش‌ترین فیلم غیرکمدی سال ۱۴۰۲ به انیمیشن «بچه‌زنگ» با ۶۲ میلیونارد و ۷۰۰ میلیون تومان اختصاص داشت، نشان داد فرضیه ساداتیان درست بوده و اگر امکان اکران برای فیلم‌های خوب فراهم شود این آثار هم به راحتی می‌توانند به مصاف فیلم‌های کمدی بروند.

■ **تغییر ذائقه سینماروها**

اما سال جاری را باید به فال نیک گرفت؛ تغییر محسوس سیاست‌های وزارت فرهنگ و ارشاد و سعه صدر مدیران فرهنگی، از نمایش بخش ویژه چهل و سومین جشنواره فیلم فجر رقم خورد و اگرچه «قاتل و وحشی» به عنوان یکی از فیلم‌های آن فهرست با فشارهای بیرونی از اکران بازماند اما نمایش فیلمی مانند «پیر پسر» و مطالبه اکران عمومی آن از سوی سازندگانش، اصحاب رسانه و منتقدان و البته ایستادن مدیران پای این فیلم موجب شد «پیر پسر» به نمایش عمومی برسد و امروز با وجود حملات گاه و بیگاه و حتی کشیده شدنش به صحن مجلس اما به فروش صعودی خود ادامه می‌دهد و نخستین فیلم اجتماعی صد میلیاردی سینمای ایران شده است.

بازگشت دوباره سعید روستایی به سینما با فیلم «زن و بچه» هم گرما و رونق دوباره‌ای به گیشه داده و فضای رقابت میان فیلم‌های پرفروش و پرمخاطب را داغ کرده است.

این در حالی است که پیش‌تر گیشه در اکران نوروزی و پس از آن هم، روی خوشی به سینمای اجتماعی نشان داد و نمایش دو فیلم «رها» و «زبیا صدایم کن» و استقبال مخاطبان از آن‌ها فضا را تا حدودی به سمت سینمای اجتماعی تغییر داد.

از همین روی گیشه اسمال با سال‌های پیش یک تفاوت مهم دارد و آن هم این است که دیگر شاهد رقابت کمدی موفق و حضور پرقدردن خود در صحنه می‌تواند انتخاب اول مخاطبان سینما رو باشند.

اتفاقی که بسیاری از صاحب‌نظران، موعد رسیدن آن را پیش‌بینی می‌کردند و معتقد بودند دیر یا زود کمدی‌زدگی در میان مخاطبان اتفاق خواهد افتاد و ذائقه تماشاگران نیازمند روایت‌های داستانی جذاب و جدی خواهد شد.

ریشه‌ها و دلایل این اتفاق را در چندین مورد می‌توان جست‌وجو کرد؛ از تغییر سیاست‌های اکران گرفته تا شرایط اجتماعی. اما همیشه گفته‌ایم که اساساً رفتار مخاطبان قابل پیش‌بینی نیست.

چه در زمان شیوع کرونا و سال‌های پس از آن که به تماشای انواع و اقسام کمدی‌های فله‌ای اشتیاق نشان می‌داد و چه حالا که در یکی از مقاطع پراشتیاب و سخت ناشی از جنگ اخیر هستیم، اما ذهن مخاطبان آمادگی همسویی با فیلم‌های جدی و تراژیک و پذیرش آن‌ها را دارد.

حتماً باید دلایل روان‌شناختی این تغییر رویه را بررسی کرد اما یکی از عوامل اصلی اقبالی که این روزها شامل حال فیلم‌های اجتماعی شده، قطعاً ناشی از پس‌زدگی کمدی‌ها و فرار از این فیلم‌هاست. کمدی‌هایی که در انحصار چند بازیگر مشخص است که از فیلمی به فیلم دیگری می‌روند و در میان این فیلم‌ها کمتر اثری را می‌توانید پیدا کنید که حرف تازه‌ای داشته باشد.

با این حال باید این مقطع مهم را جدی گرفت و با برنامه‌ریزی درست در شیوه اکران فیلم‌ها و حمایت از آن‌ها در توزیع عادلانه این توازن را حفظ کرد و مهم‌تر از آن، اینکه برای تنوع ژانر در سینمای ایران و خارج کردن آن از دوقطبی کمدی و درام چاره‌ای اندیشید.